

جشن مهرگان

نگارش آقای ذبیح‌الله صفا

۴

اما پس از تسلط یونانیان چنانکه مشهور است تاریخ اوستائی در دربار متروک گردید و تاریخی بمیان آمد که در نزد ما بتاریخ اسکندری معروف است و مبداء آن شاید سال ۳۱۲ ق. یعنی سال تاسیس سلسلهٔ سلوکی باشد. ماههای این تاریخ مقدونی بوده است. بدین ترتیب دیده میشود که ماههای اوستائی و بتبع آنها اعیاد ملی و مذهبی ایرانیان در دربار سلاطین از نام و نشان بیفتاد و شاید در این اوقات فقط ملت ایران را بتوان یشتمیان و ضامن بقاع آنها دانست. از این جهت نمیتوانیم در باب اعیاد ایرانی و مخصوصا مهرگان که موضوع بحث ماست بتحقیق چیزی بگوئیم و مراسم آن را در این هنگام معلوم سازیم.

در عهد اشکانیان پارسی، باز مهرگان سر از بالین احتیاج برداشت و دوباره پاری در دربار شاعران نهاد و این معنی از حکایتی که ثعالبی در کتاب «غرر اخبار ملوک انفرس و سیرهم» در باب موبدان موبد وقت و خسرو پسر فیروز اشکانی مینویسد بخوبی بر میآید و برای اطلاع از آن باید بصفحات ۴۷۱ و ۴۷۲ از کتاب مزبور رجوع کرد. مطلب مهمی که از این حکایت رمیاید اینست که شاه در روز مهرگان بار میداد و بزرگان ممالک بتقدیم هدایا مبادرت میکردند و موبدان موبد نیز در این کار از دیگران بیرونی مینمود و شاید هدایای او زودتر از سایر پيش کشیها بخدمت شاه فرستاده میشد. بهرحال وجود جشنهای تاریخ اوستائی در دربار اشکانی از وجود اسامی مشهور تاریخ مزبور بر روی سکه ها و اسناد دولتی؛ و نیز از اقدامی که در

۱. مبداء این تاریخ را باختلاف سال اول جلوس اسکندر (۳۳۶ ق. م) و سال وفات او (۳۲۳ ق. م) و هفتمین سال سلطنت او (۳۳۰ ق. م) یعنی سال شکست قطعی داریوش سوم و قتل او (و دوازده سال پیر از مرگ او (۳۱۲ ق. م) یعنی سال جلوس ساوکرس نیکوتر بتخت سلطنت ایران) نوشته اند و ای اکثر از محققین همین قول اخیر را قبول کرده اند. (رجوع شود بشرح بیست باب).

۲. ایران باستانی ص ۲۶۷ - این تاریخ اسکندری بتاریخ ساوکیدی معروفست.

۳. آقای مینوی حکایت فوقرا در مجلهٔ تقدم ترجمه کرده اند.

۴. ایران باستانی ص ۲۶۷

کتاب دینکرت Dinkart به واکش Valkach پادشاه اشکانی (۵۱-۷۷ میلادی) در باب جمع آوری اوستا نسبت داده شده است. بر ما ثابت میشود و از نیروی میتوان قول تعالی را قبول کرد و حکایت فوقرا اقلا دلیل مرسوم بودن جشن مهرگان در دزدبار شاهان اشکانی دانست.

مهرگان در عهد ساسانیان

دربار شاهان ساسانی برای مهرگان مراسم مخصوصی قائل میشد و اساساً از آنجا که سلاطین ساسانی پایه قدرتشان بر اصل مذهب استوار بود و در احیاء مراسم قدیم ایران و قوانین مذهب زرتشت سعی بلیغ داشتند تشریفات جشنهای ایران و مخصوصاً نوروز و مهرگان را باقصری العایه افراط رسانیده بودند. بجز در موقع نوروز و مهرگان که یکی در هنگام بهار و دیگری بفصل خزانست بارعام معمول نبود و شاید شاهان ساسانی در این امر پیروی از سلاطین هخامنشی کرده باشند ۲.

یکی از خصایص درباری ساسانیان اینست که هر روز از ایام سال را شعری جدید و نواختنی تازه در خدمت شاهنشاه مرسوم بود ۳ و بنا بر این در هر يك از ایام اعیاد آوازه‌ها و آهنگهایی وجود داشت که بهمان روز اختصاص داده میشد چنانکه در ایام نوروز آهنگهای «نوروز بزرگ» و «نوروز کبچاد» و «نوروز خردک» و «ساز نوروز» و «بادنوروز» و اقسام این الحان نواخته میشد و نیز چنانکه جاحظ میگوید در این ایام مغنیان با آوازهایی از قبیل «غنا و مخاطبه» و «آوازهای بهاری» و آوازهایی که اخلاف زرتشتیان از آنها یاد کرده اند و باغانی «آفرین» و «خسروانی» و «مادرستانی - مازندرانی» مترنم میشدند ۴.

در ایام مهرگان نیز ناگزیر از اقسام این آهنگها نامی به بیان میآید که امروزه از آنجمله جزاسامی الحان «مهرگانی» و «مهرگان بزرگ» و «مهرگان خردک» برای ما چیزی نمانده است.

در روزهای مهرگان و نوروز معمولاً یارسیان مشک و عنبر و عود هندی بیکدیگر هدیه میدادند و مالوک روغن بان را تبرکاً بر خود میمالیدند و گاه عوام الناس نیز بدین کار مبادرت مینمودند ۵. رسم پادشاهان ساسانی در مهرگان بر سر نهادن تاجی بود که صورت آفتاب بر خود داشت و سبیش اعتماد ایرانیانست باینکه در روز مهرگان خورشید در جهان آشکار شده و بقولی اولین کس که در اینروز بنزد شاه میآمد موبدان موبد بود و او طبقی با خود میآورد که در آن ترنج و قطعه شکر و کنار

۱ - هاراز. اوستا ص ۲۱۵ از مقدمه آن.

C. de Harlez Avesta. int. CCXV.

۲ - برای اطلاع از رسوم که در بار عام معمول بود رجوع شود بمروج الذهب مسعودی. مجلد دوم. شرح سلطنت اردشیر بابکان.

۳ و ۴ - الحسان والاضداد ص ۲۳۶.

۵ - ج ۱ بلوغ الارب تألیف سید محمود شکری. بغداد ۱۳۱۴ هجری

۶ - آثار الباقیه ص ۲۲۲

و بهی و عناب و سیب و خوشهٔ آگور سفید و هفت دستهٔ مورد که بر آن زمزمه خوانده باشند، وجود داشت ۱۰ این خلف تبریزی نیز عین همین رسم را با جزئی اختلاف در برهان قاطع ذکر میکند.

در این روز شاهان ساسانی جاه‌های از بردیمانی ووشی میپوشیدند؟ و چنانکه در کتاب باوغ الارب از عبدالله بن مقفع نقل شده است ۲ و نیز بترتیبی که از بیانات جاحظ درالمحاسن والاضداد؛ بر می‌آید، و ما اکنون بنقل مخلوطی از آن دو مباردت می‌جوئیم: در این روز (و نیز در جشن نوروز) چون پادشاه زینت خود را میپوشید و بمجلس حاضر میشد مردی خجسته نام و مبارک قدم و گشاده صورت و نیکو بیان که از هنگام شب تاصبحگاهان بردرخانهٔ شاه توقف میکرد بامدادان بدون اجازه بر شاه داخل میشد و چندان بریای می‌ایستاد تا شاه ویرا ببیند. پس شاه ازو میپرسید که کیستی و از کجا آمده‌ای و ارادهٔ کجا داری و نامت چیست و که ترا آورد و با کدامین کس آمده‌ای و با تو چیست؟ آن مرد در جواب میگفت: من نیروی فتح و ظفرم و از جانب خدای می‌آیم (جاحظ: از نزد دو فرخنده تر می‌ایم) و ارادهٔ پادشاه نیکبخت کرده ام (جاحظ: ارادهٔ دو نیکبخت تر کرده ام). اسمم خجسته و آوزندهٔ من نصرت و ظفر میباشد. سال جدید به‌مراه منست و سلامت و بشارت و گوارائی زه آوردم. پس پادشاه میگفت اجازهٔ ورودش دهید و سپس خود بوی میگفت که درون آی. آن مرد درون رفته می‌نشست و بعد ازو مردی داخل میشد که با وی طبقی سیمین بود که در اطرافش نانهای گردی که از انواع حبوب مانند گندم و جو و ارزن و زرت و نخود و عدس و برنج و کنجد و باقنی و لوبیا پخته میگردید جمع بود و از حبوب مزبور نیز هریک هفت دانه و هفت خوشه و قطعه‌ای از شکر و دینار و درهم جدید و شاخه‌ای از اسپند بران طبق گذاشته میشد. در میان طبق هفت شاخه از درختهایی که بدانها و باسم آنها تقال میکنند و نظر کردن بدانها نیکوست مثل بید و زیتون و بهی و انار گذاشته میشد. بعضی از این شاخها بر یک گره و بعضی بر دو گره و برخی بر سه گره بریده می‌شده و هر یک را بنام شهری از شهرها مینامیدند و بر روی آنها ایزود و ایزاید و ایزون و پروار و فراخی و فراهیه مینوشته اند که معنی آنها عبارتست از بیفزود و بیفزاید و افزون و رزق و فرح و سعه. آن مرد تمام این چیزها را بدست گرفته خلود و دوام ملك و سعادت و عزت شاه را میخواست، و پادشاه در این روز در باب هیچ کاری بمشورت نمی‌پرداخت از ترس اینکه مبدا از آن چیزی پدید آید که ناپسند باشد و در تمام سال جاری شود اولین چیزی که درین روز برای شاه آورده میشد سینی زرین یا سیمینی بود که بر آن شکر سفید و جوز هندی مقرر تازه و جامهای سیمین یا زرین قرار داشت. پادشاه از شیر

۲۰۱ - باوغ الارب ج ۱ ص ۳۹۱

۳ - ص ۳۸۵ - ۳۸۶ در این کتاب رسم مزبور فقط بنوروز اختصاص داده شده

ارت ولی ذکر و تصریح جاحظ این مدعا را باطل مینماید.

۴ - ص ۲۳۴-۲۳۵ چاپ مصر

تازه ای ابتداء میکرد که در بعض از آن خرماي تازه خيسانده بود و نارگیل و خرمايی چند بر میداشت و بکسی که در نزدش از همه عزیز تر بود میداد و از شیرینی آنچه را که میخواست میخورد. پس ازین مقدمات هدایا بمرض شاه می رسید.

اما در باب هدایائی که درین عهد بخدمت شاه فرستاده میشد: باید دانست که این هدایا را یا پادشاهان ممالک مجاور و متعاهد و والیان ایالات و ولایات و امرای دست نشاندۀ شاهان ساسانی بدر بار میفرستادند و یا خواص و اطرافیان و اقرباء پادشاه و سایر مردم بوی تقدیم می کردند.

نوع هدایای دسته اول عبارت بود از طرائف هر سرزمین. چنانکه از هندفیل و شمشیرهای هندی و مشک و پوست حیوانات و ازسند طاوس و لوطی و از روم دیبا و فرشهای قیمتی میفرستادند. قواد شاه و مرزبانان تیرها و شمشهای مصمت از سیم و زر تقدیم میکردند. و اگر از عمال کسی بود که بقایای مالیات سال گذشته در نزد وی باشد آنها را جمع کرده و در بدرهای حریر چینی بسته و بخدمت میفرستاده است و همچنین میکرد از عمال هر کس که میخواست که بزیدی اموال و فزونی عمل و یا ادای امانت خویش تزیین کند.

۱ - المحاسن والاضداد ص ۲۳۸

۲ - کتاب التاج فی اخلاق الملوك چاپ مصر

خسارات قلب و اختلاس در دول متحده امریکا

ویلیام جایس Wiliam B. Joyce رئیس شرکت بیمه ها

سارقان	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
تقلبات اعتباری	۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار
ورشکستگی به تقلب	۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
جعل	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
تقلبات در بیمه	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
تقلبات در مستلزمات	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
تقلبات در اسهام	۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
تقلبات تجارتي	۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
سالی معادل	۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار بیمه بر عایه دزدی میشود و صرف
آن	۳۶۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار است. يك خمس این مبلغ هنگفت راجع به شهر نیویورک و
مضافات آن است.	